

# علم أصول الفقه

٣٦

٢٠-١٠-٩٣ ظهور

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

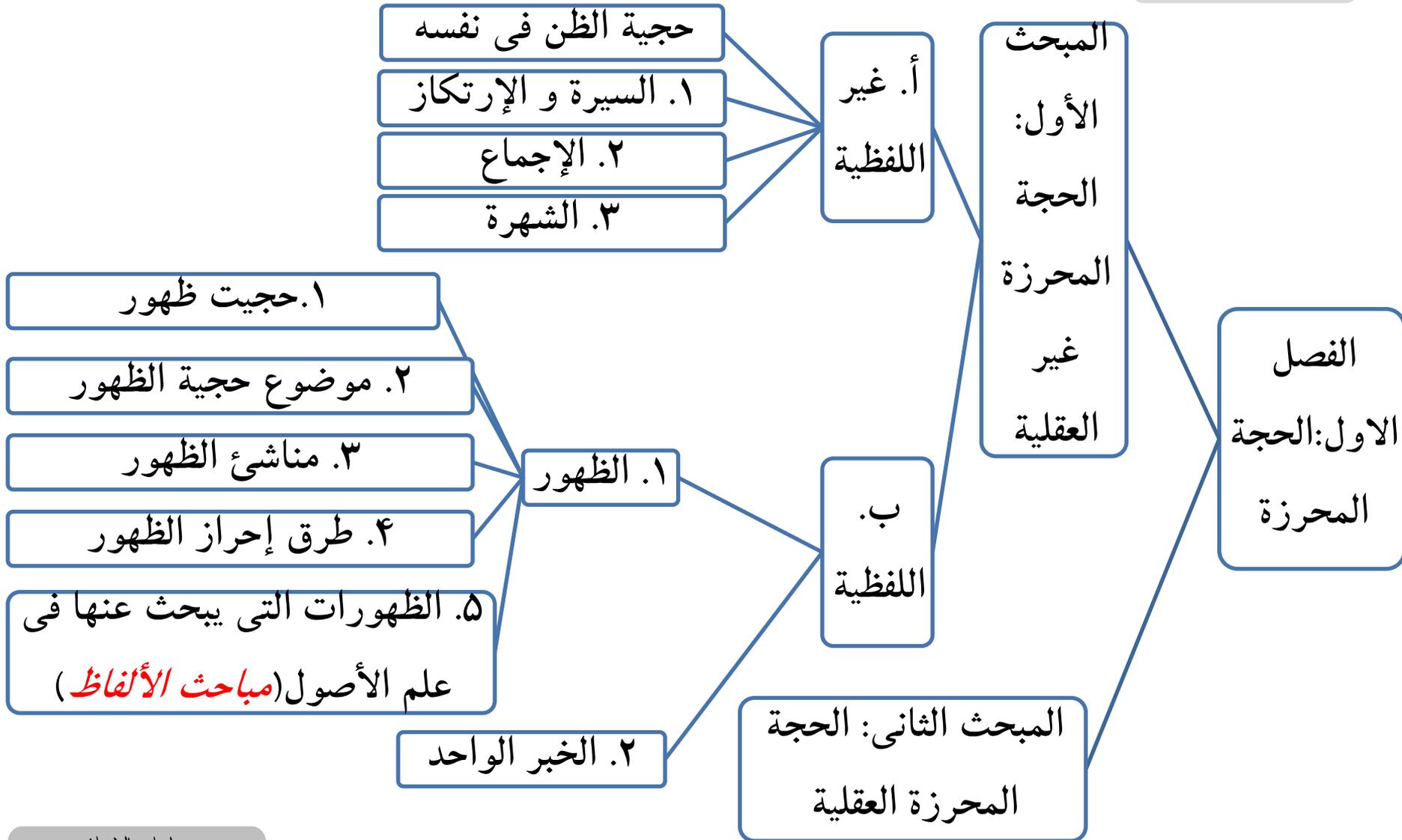
فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ

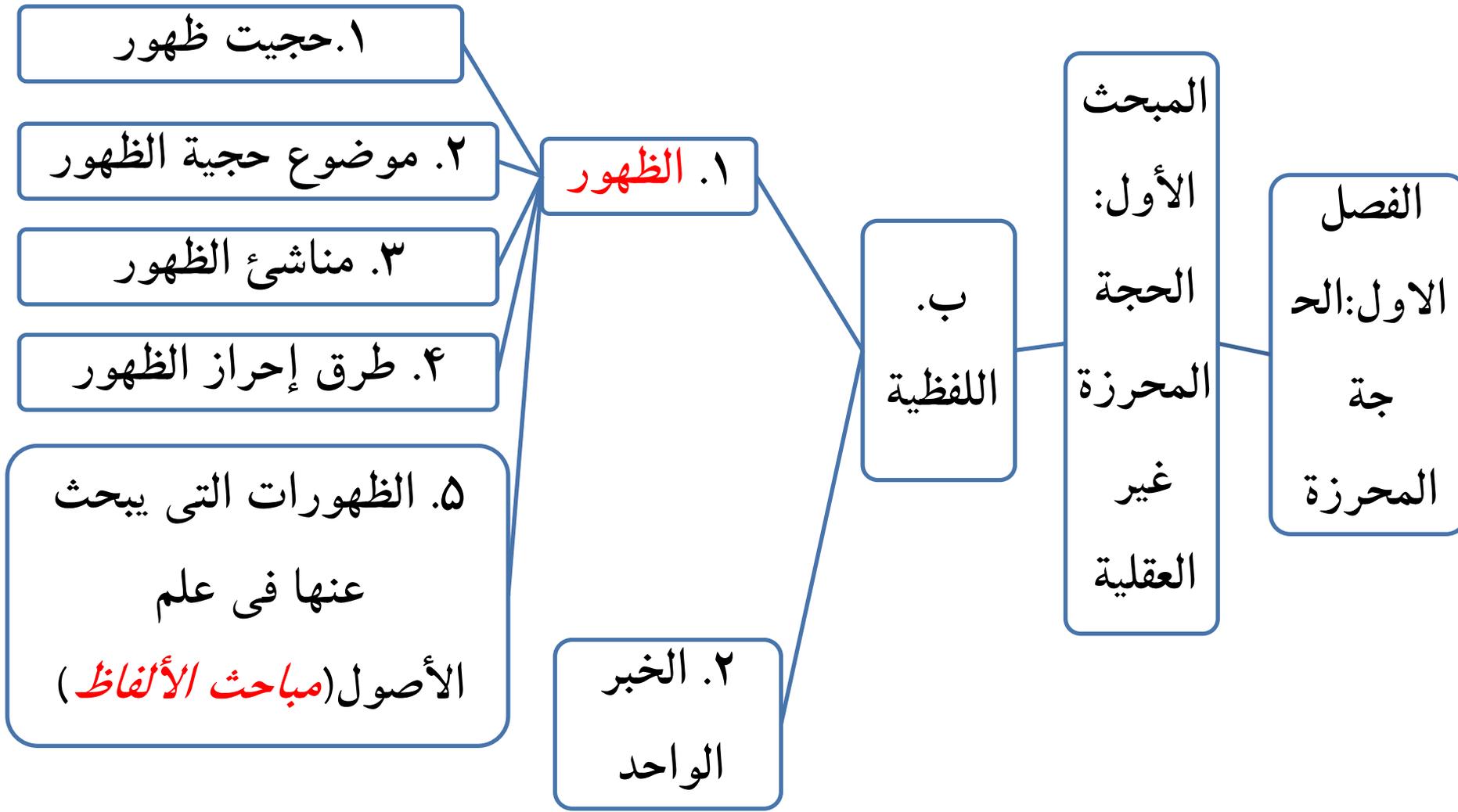
• وَقُلْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ  
 فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ  
 يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ  
 وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (٢٩)

فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ

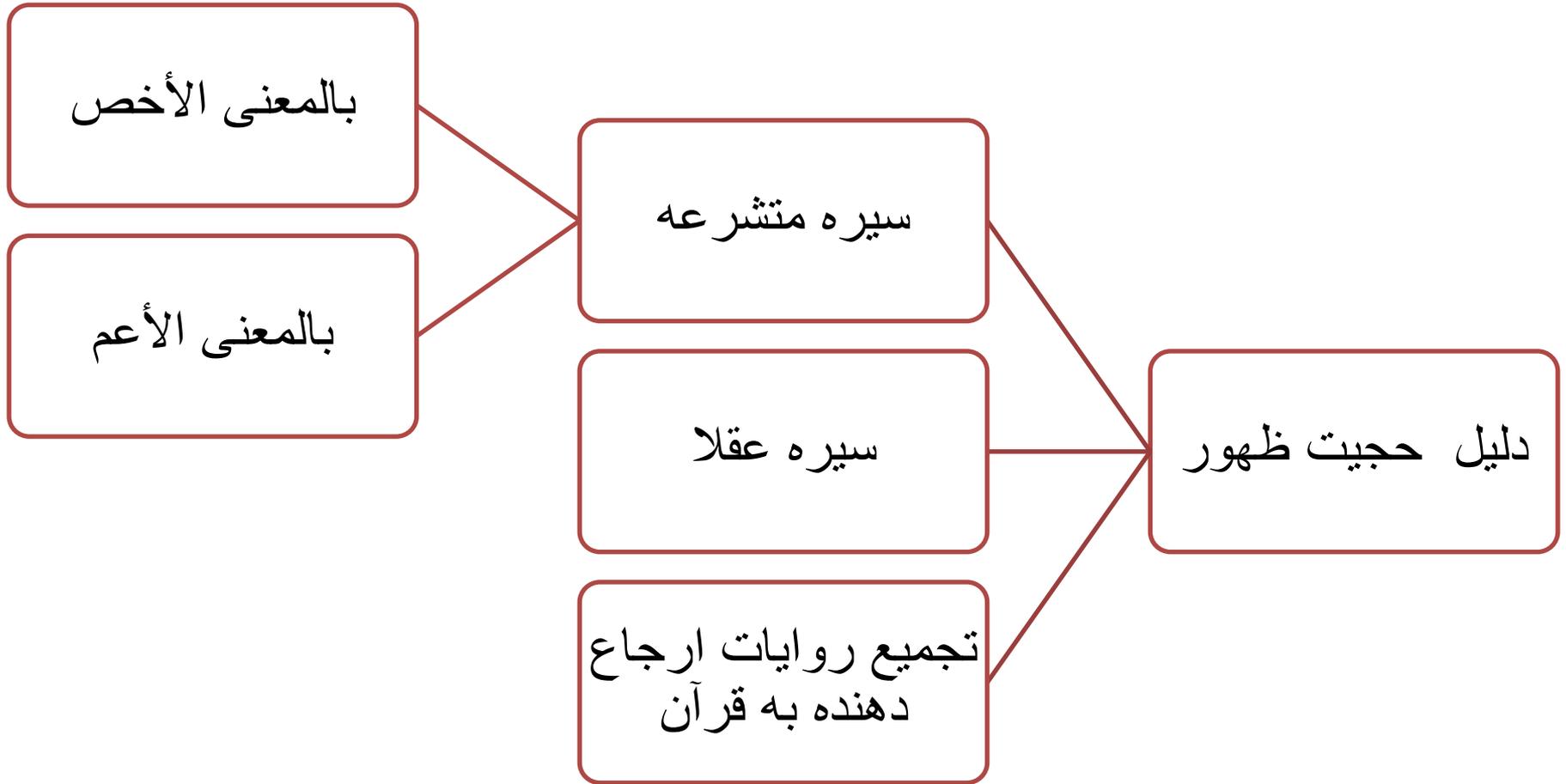
• إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (٣٠)

• أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (٣١)

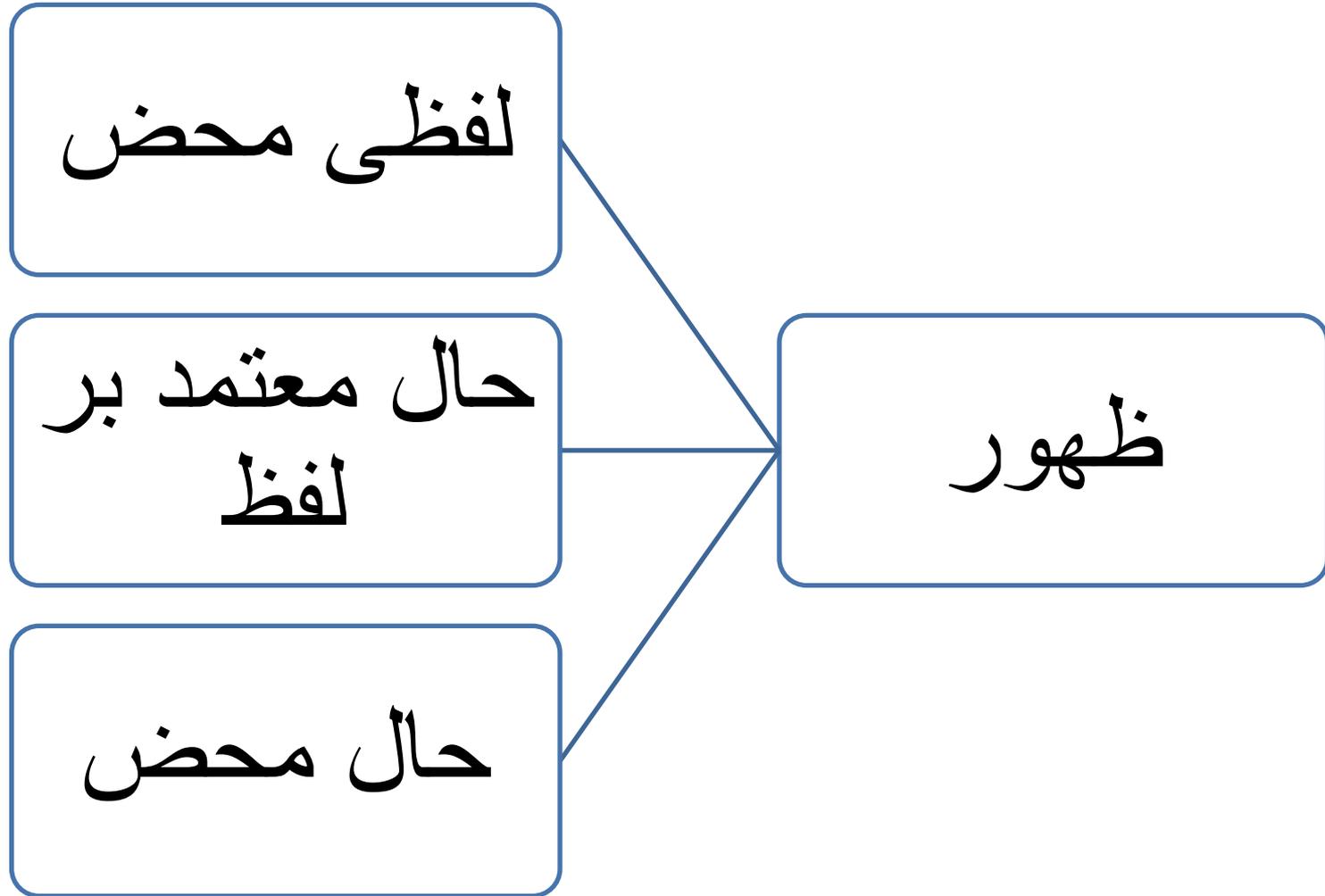




# حجيت ظهور



## دامنه حجیت ظهور



## سیره عقلا در باب ظواهر

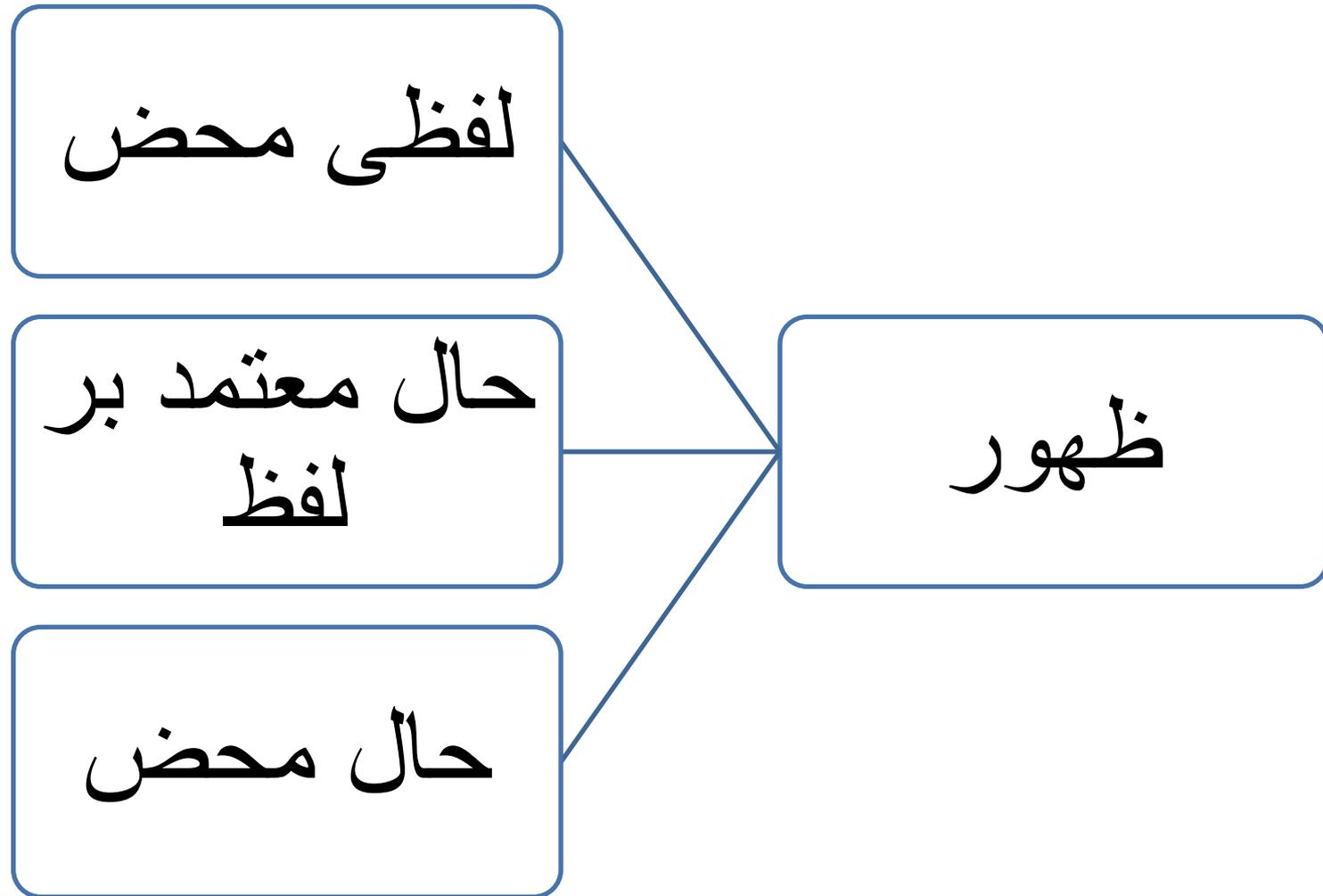
- نکته دوم
- در بحث ظهور یک سیره عملی داریم و یک ارتکاز نظری؛ یعنی از یک سو عقلا در عمل به ظواهر سخن یکدیگر احتجاج می‌کنند که این سیره است و در مقام عمل ظهور و بروز پیدا می‌کند و از سوی دیگر به لحاظ نظری احتجاج به آن را جایز و به جا می‌شمارند. آن گاه که می‌گوییم شارع ردعی نکرده است و عدم ردع او کاشف از امضاء است، این امضاء نه تنها نسبت به سیره عقلا، بلکه نسبت به ارتکاز عقلا هم وجود دراد.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- با توجه به این دو نکته، پرسش هایی مطرح است. همه این پرسش ها به این بر می گردد که دامنه حجیت ظهور تا چه حد است. آیا هر ظهوری را در بر می گیرد یا نه؟ چون دلیل ما بر حجیت ظهور، سیره و ارتکازی است که توسط شارع امضا شده است.
- سیره و ارتکاز جزء ادلة لبیّ به حساب می آید. پس ما یک دلیل لفظی نداریم که بتوانیم در موارد مشکوک به اطلاقش تمسک کنیم. ادلة لبی فقط مقداری متیقن را اثبات می کنند.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- بنابراین اگر ما در جایی شک داشته باشیم که آیا فلان ظهور مشمول دلیل حجیت ظهور است یا نه، همین شک کافی است در اینکه مشمول دلیل حجیت ظهور نباشد.



## سیره عقلا در باب ظواهر

- گاهی تنها منشأ ظهور لفظ است که در اصطلاح به آن **ظهور لفظی** می‌گوییم و زمانی این ظهور متکی به لفظ است؛ اما لفظ تنها عامل این ظهور نیست، بلکه امور غیر لفظی و شرایطی که وجود دارد هم در پیدایش این ظهور دخالت دارند.
- از این ظهور به «**ظهورِ حال معتمد بر لفظ**» تعبیر می‌کنیم

## سیره عقلا در باب ظواهر

- گاهی هم ظهور به هیچ وجه ارتباطی به لفظ ندارد. فقط یک شرایط و حالات خاص است که چنین ظهوری را در پی دارد که از آن به «**ظهور حال**» تعبیر می کنیم

## سیره عقلا در باب ظواهر

- یکی از ظهورات حال معتمد بر لفظ، ظهور اطلاقی است. در بحث اطلاق خواهیم گفت که اطلاق، دلالت سکوت است نه دلالت سخن؛ البته مطلق سکوت هیچ اطلاقی ندارد و مقصود از سکوت در بحث اطلاق آن است که شارع سخنی می‌گوید؛ ولی بعضی چیزها را نمی‌گوید؛ یعنی نسبت به آن‌ها سکوت می‌کند در اینجا سکوت شارع در کنار آن بیانش معنادار است.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- این معناداری در فرض وجود یک سری شرایط خاصی است که در اصطلاح به آن **مقدمات حکمت** می‌گوییم؛

## سیره عقلا در باب ظواهر

- مثلاً شارع امر به عتق رقبه می‌کند؛ «أعتق رقبة» و مقید نمی‌کند که این رقبه مسلمان باشد و همچنین در مقام آن است که تمام خصوصیات تکلیف را برای ما توضیح بدهد و قرینه‌ای هم بر تقیید به صورت منفصل یا به طور متصل ذکر نمی‌کند.
- در اینجا می‌گوییم معلوم می‌شود که **رقبه** مورد نظر شارع اعم از مؤمن و غیر مؤمن یا مسلمان و غیر مسلمان است.
- با این توضیح این ظهور به نوعی ظهور حال شارع است که بر لفظ تکیه دارد و آن را جزء **ظهورات لفظ** به حساب می‌آوریم؛ هر چند که در واقع منشأش وضع نیست.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- ظهور عبارت عام در شمول چنین نیست؛ برای مثال می‌گوییم کلمة «أى» برای شمول بدلى وضع شده است.
- در حقیقت دلالت این لفظ در اینجا بر شمول به سبب وضع است. پس ظهور عام یک ظهور لفظی محض است.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- شهید صدر - رضوان الله عليه - در بحث امضاء شارع نسبت به سیره عقلا بر حجیت ظهور گفتند عقلا یک سیره عام و گسترده بر حجیت ظهور دارند.
- شارع در همین صحنه عقلائی زندگی می‌کند و در همین صحنه مسائل شرعی را بیان می‌کند و در همین فضا، سکوت می‌کند و این سیره را ردع نمی‌کند.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- دقت شود بخلاف بحث اطلاق اصلاً حرفی نمی زند نه اینکه حرفی بزند و در کنار آن حرف، حرف هایی هم نمی زند.
- همین سکوت مطلق شارع در چنین شرایطی ظهور پیدا می کند در اینکه وی این سیره را قبول دارد.
- این ظهور حال وی اصلاً معتمد به لفظ نیست.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- با توجه به انواع ظهورات سؤال این است که آیا دلیل حجیت ظهور به ظهور لفظی محض اختصاص دارد یا ظهور حالی معتمد بر لفظ و یا افزون بر آن ظهور حالی محض را هم در بر می گیرد؟
- قدر متقین از دلیل حجیت ظهور، ظهور لفظی محض یا همان ظهور لفظی وضعی است.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- بعضی‌ها در اینجا اشکالی کرده اند که مبتنی بر دو مطلب است:
- ۱. اینکه دلیل حجیت را سیره متشرعه بدانیم
- ۲. اینکه ما امضاء شارع را ناظر به سیره متشرعه بدانیم و نه ارتکاز.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- با این دو پیش فرض گفته اند دلیل حجیت مواردی را شامل می شود که می دانیم متشرعه به ظواهر عمل کرده اند؛ اما آنجا که نمی دانیم به آن عمل کرده اند یا نه، شامل نمی شود.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- همچنین گفته‌اند با مراجعه به ادله و سیره اصحاب در می‌یابیم که آن‌ها به **ظواهر لفظی** و **ظواهر حالی معتمد بر لفظ** مثل اطلاق عمل کرده‌اند. پس این دو قسم از ظواهر به یقین حجت است؛
- اما جایی نداریم که اصحاب به **ظهور حالی محض** هم عمل کرده باشند. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم این قسم از ظهور حجت است.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- پاسخ این اشکال آن است که اولاً دلیل ما بر حجیت ظهور، سیره متشرعه نیست و اگر متشرعه هم به ظواهر عمل می‌کنند، از این باب است که جزء عقلا هستند.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- در سیره عقلا ظواهر به طور مطلق حجت هستند؛ چه ظهور لفظی محض و چه ظهورِ حالی معتمد بر لفظ و چه ظهورِ حالی محض.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- البته ممکن است در جایی این برداشت از حال به مرحله ظهور نرسد؛ یعنی ظنی باشد؛ اما به اندازه‌ای نباشد که احتمال خلاف ظاهر حال اعتنا نکنند یا حداقل عقلا در اینکه ظاهر است یا نه شک داشته باشند.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- ثانياً گفتیم امضاء شارع تنها به سیره عقلا تعلق نگرفته است، بلکه به ارتکاز عقلا نیز تعلق گرفته است.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- شهید صدر - رضوان الله علیه - به این اشکال به شکلی که گفتیم نپرداخته است.
- ایشان دلیل حجیت ظهور را هم سیره متشرعه می‌داند و هم سیره عقلا در حالی که ما معتقدیم دلیل حجیت ظهور فقط سیره عقلا است و سیره متشرعه در این خصوص، سیره متشرعه بما هم متشرعه نیست، بلکه متشرعه بما هو عقلا است.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- طبق نظر شهید صدر - رضوان الله عليه - اشکال پیش گفته تنها بر سیره متشرعه وارد است؛ بعد در مقام جواب به صورت تلویحی به این نکته اشاره می‌کنند که تکیه این سیره متشرعه بر سیره عقلا است.
- در واقع ایشان نیز ملتزم به اشکال شده اند که اگر سیره عقلا نباشد، سیره متشرعه ارزشی ندارد. بنابراین خود ایشان هم دلیل اصلی حجیت ظهور را سیره عقلا می‌دانند؛ هرچند به صراحت نگفته اند و تا آخر مباحث ظهور هم سیره متشرعه را کنار سیره عقلا مطرح می‌کنند.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- بحوث فی علم الأصول (تقریر السید محمود هاشمی الشاهرودی)،  
ج ۴، ص ۲۴۳-۲۴۴.
- آدرس؟
- بحوث فی علم الأصول (تقریر السید محمود هاشمی الشاهرودی)،  
ج ۴، ص ۲۴۹.

# تفاوت رفتار شارع با عقلا

• اشكال

## تفاوت رفتار شارع با عقلا

- اگر رفتار گوینده‌ای در حوزه بیان عقلائی نبود و عادت هایش با عادات عقلا تفاوت داشت، در آنجا معلوم نیست ظهور حجت باشد.
- حداقل در حجیت آن شک داریم و همین شک باعث می‌شود که نتوانیم در آنجا به حجیت ظهور تمسک کنیم.
- در ادامه گفته اند شارع در زمرة همین گویندگانی است که رفتارشان با رفتار عقلا فرق دارد.

## تفاوت رفتار شارع با عقلا

- فرق شارع با سایر عقلا این است که عقلا وقتی می‌خواهند چیزی را بگویند همه مقصودشان را در یک مجلس و یکدفعه بیان می‌کنند؛ مثلاً عقلا از همان اول عام را با قیودش ذکر می‌کنند؛ اما شارع یک عام ذکر می‌کند و بعد از چند سال دیگر یک خاص دیگر می‌آورد؛ چنان که می‌بینیم شارع عمومات و اطلاعات زیادی دارد که مقیدات یا مشخصات آن‌ها منفصل است و نه تنها این انفصال در کلام یک معصوم - علیه السلام - بلکه در کلام چند معصوم - علیه السلام - وجود دارد به طوری که یک امام - علیه السلام - عامی را بیان کرده است و امام دیگر - علیه السلام - آن را تخصیص زده است.

## تفاوت رفتار شارع با عقلا

- این اشکال در بحث عام و مطلق به شکل دیگری مطرح می‌شود. می‌گویند چون شارع عادتش بر مخصصات منفصل است. بنابراین عام شرعی قبل از فحص از مخصص، ظهور در عموم ندارد. در آنجا اشکال این نیست که عام ظهور دارد؛ اما ادلة حجیت ظهور شامل عام نمی‌شود، بلکه اشکال این است که اصلاً عام ظهور ندارد؛ یعنی بحث صغروی است و فرض این است که اگر ظهور داشته باشد، ادلة حجیت ظهور شاملش می‌شود.